

مقدمه

دیوارنگاری به چیزی بیش از ترسیم در اندازه بزرگ روی دیوار، اشاره دارد. در واقع، تفاوت مابین نقاشی دیواری و نقاشی سه پایه، تنها به محل اجرا یا قابل حمل بودن اثر محدود نمی شود، بلکه آنچه بین این دو، تمایز پدید می آورد از مجموعه ویژگیهای زیباشناسانه و ضرورتهای فنی بسیار متغیر حکایت دارد. از جمله این عوامل می توان به ماندگاری مکان اجرای اثر یا جدایی ناپذیر بودن نقاشی از ساختمان، اشاره نمود. ویژگیهای یک اثر دیواری در برخی موارد، ممکن است شبیه به یک نقاشی روی بوم با تکنیک رنگ و روغن یا تمپرا به نظر برسد. لیکن، تفاوتی ساختاری که یک اثر دیواری را از غیر آن جدا می سازد عبارت است از اینکه یک دیوارنگاره باید به گونه ای طرح و اجرا گردد که گویی قرار است، جاودانه بماند. به عبارت دیگر تا زمانی که ساختمان پابرجاست، نقاشی دیواری نیز وجود خواهد داشت. بنابراین باید در شرایط موجود ساختمان بتواند به حیات خود ادامه دهد. البته، گاهی این شرایط دائمی، از جمله شرایط جوئی متغیر یا حتی ضرورتهایی همچون تمیز نمودن سطح دیوارها و غیره، بسیار دشوار خواهد بود؛ دیگر آنکه یک نقاشی دیواری را باید بتوان از جهت های مختلف بدون اختلال ناشی از انعکاس نور، آن گونه که معمولاً در آثار رنگ و روغن و تمپرا باعث محدودیت زاویه نگاه به اثر می گردد، به آسودگی مشاهده نمود. ویژگی دیگر متمایزکننده نقاشی دیواری از سایر نقاشیها آن است که هنگام طراحی باید توجه داشت که بیننده اثر به طور معمول در حالت ثابت مانند زمانی که به نقاشی سه پایه می نگرند، نیست؛ بلکه به طور معمول در حال حرکت و گذر است. خصوصیت مهم دیگر توجه به

ویژگیهای بناست. باید اذعان داشت که یک اثر دیواری را بدون در نظر گرفتن ویژگی محل اجرا هرگز نمی‌توان اجرا نمود. مثلاً اگر قرار باشد اثری در یک ساختمان به اتمام رسیده، انجام شود، باید به گونه‌ای طراحی گردد که با طراحی فضای ساختمان هماهنگ باشد و این تصور پدید نیاید که نقاشی بدون هدف به تصویر کشیده شده است. در نظر گرفتن موارد فوق به همراه بسیاری موضوعات دیگر امکان می‌دهد که دیوارنگاری، دارای نوع خاصی از مسائل و معیارهای زیباشناختی تلقی گردد.

روشهای بسیار متنوع و گوناگون این ذهنیت را شدت می‌بخشد که نقاشی دیواری قادر است حتی به سبکها و اسلوبهای مختلف تقسیم‌بندی شود. نوعی برداشت رایج می‌گوید که باید همواره حالت دو بعدی و تزئینی نقاشی دیواری را حفظ نمود و از توجه به گستره مسطح دیوار غافل نشد. به عبارت دیگر، موضوع هر چه که می‌خواهد باشد، واقع‌گرا، تزئینی یا انتزاعی، آنچه هرگز نباید فراموش کرد آن است که در دیوار به اصطلاح سوراخ ایجاد نشود. باید اعتراف کرد که حتی برخی از نقاشان موفق نیز به این موضوع کم‌توجهی نموده‌اند و حاصل کارشان نوعی اختلال دید را باعث می‌شود.

از سوی دیگر پیشرفتهای پدیدآمده در عرصه کیفیت اجرای نقاشیهای دیواری تا حد زیادی مرهون بالارفتن مرغوبیت مواد و محصولات مصرفی است. فراورده‌های جدید باعث بر هم خوردن روشهای سنتی تهیه و عرضه مواد و روشهای اجرایی روی دیوار از مرحله آماده‌سازی تا رنگ‌گذاری و حتی ارزیابی آثار معاصر و قدیمی شده است. اگر بخواهیم تکنیکهای نقاشی دیواری را با یکدیگر مقایسه نماییم، این طور به نظر می‌رسد که ویژگیهای فنی فرسک را از نظر کیفیت می‌توان به عنوان روش استاندارد، مبنا قرار داد. بر این اساس هر روشی با شدت و ضعف، خود را به قابلیت‌های این روش نزدیک می‌نماید. البته سخن از نزدیکی تکنیکها، جنبه نسبی دارد. نقاشی رنگ و روغن را به طور مستقیم روی دیوار یا بومی که سپس روی دیوار نصب می‌گردد نمی‌توان با نقاشی فرسک مقایسه نمود؛ چرا که به هیچ وجه

آنچه روی سه پایه دیده می‌شود، همان تصویری نیست که روی دیوار جلوه خواهد کرد. افزون بر این، نقاشی رنگ و روغن همواره با نگاه خاصی همراه است که اگر آن را نوعی توقع و انتظار بنامیم با تولید اثر بصری روی سه پایه همراه بوده است. لذا اگر همان کیفیت را روی دیوار مشاهده نکنیم در واقع، دچار نوعی عدم تطابق انتظار با نتیجه تصویر می‌شویم و این امر معمولاً مشاهده‌کننده را ناخوشنود می‌کند. بدیهی است مقتضیات رنگ و روغن چیز دیگری است که روی دیوار برآورده نمی‌شود و لذا قادر به متقاعد نمودن بیننده نیست. رنگ و روغنی که اصولاً نیازمند نوعی جلا باشد در دو حالت مات یا برآق می‌تواند انجام شود که از نظر دوام روی دیوار از رنگ و روغن معمولی مشکل‌سازتر خواهد بود و ماندگاری کمتری خواهد داشت. تأثیرات ایجاد شده با تکنیک لعاب که اغلب به گونه‌ای برآق جلوه می‌کند بیشتر برای نقاشیهای کوچک می‌تواند، جذاب باشد و لذا روی دیوار چندان زیبا به نظر نخواهد رسید. به دست آوردن بهترین نتیجه برای چنین نقاشیهایی مستلزم نورپردازی اختصاصی است و تنها از برخی زاویه‌های محدود و از فاصله دور می‌توان به آنها نگریست؛ چراکه انعکاس سطح برآق امکان دید را کاهش می‌دهد. در هر حال میزان تالو و جلوه نقاشی تمپرا همچون رنگ و روغن محدود است. این نکته را روی سه پایه یا چهارچوب می‌توان به راحتی تشخیص داد، اما تمپرا روی دیوار از نظر کیفیت مابین نقاشی فرسک و رنگ و روغن قرار می‌گیرد. در میان روشهای به اصطلاح خشک همچون نقاشی با چسب (آهار)، ماده پنیر، نقاشی با سفیده تخم مرغ رقیق، روی سطح خشک که غالباً برای تقلید از فرسک انجام می‌شود نتیجه بصری، رضایت‌بخش‌تر است. در صورتی که کار روی یک دوغاب آهک انجام شود حتی شباهت به فرسک بیشتر می‌شود. باید اذعان داشت که نقاشی با ماده پنیر در چنین شرایطی بهترین نتیجه را به دست می‌دهد و هرچند نقاشی با تخم مرغ چندان تفاوتی از نظر شباهت نخواهد داشت؛ لیکن معایبی دارد که حاصل کار را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. مثلاً این نقاشیها را نمی‌توان همچون فرسک به سادگی تمیز کرد. البته اگر کار به طور کامل خشک شود یا به اصطلاح خود را بگیرد و در صورت رعایت

تمامی مسائل ایمنی و با احتیاط، امکان نظافت وجود دارد. واضح ترین تفاوت بین این روشها و فرسک در نقصان شفافیت و نوعی محبوب بودن رنگی آنها نهفته است. از نظر بصری باید گفت که تفاوت چندانی بین رنگ آهاری و ماده پنیر وجود ندارد. رنگهای چسبی دارای نوعی حالت خشن است که این امر باعث تالو بیشتر می گردد؛ ولی در عین حال از نظر مقاومت در برابر آب و همچنین ماندگاری از رنگهای ماده پنیری ضعیف تر می باشد. نقاشی با مواد معدنی مانند سیلیکات پتاسیم در ابتدای اجرا بسیار به فرسک می ماند، اما پس از حدود یک صدسال پیشرفت هنوز مانند فرسک آزمایش خود را پس نداده است. امروزه، می توان نقاشی با حلال نمک آلی سیلیکونی را نسبتاً مطمئن دانست و اگر در شرایط نیمه حفاظدار یعنی، در فضای محفوظ با طاق یا حرّه اجرا شود، می تواند نتیجه ای شبیه فرسک پدید آورد. هر چند نقاشی با مواد لعاب چینی می تواند تأثیرات بسیار جالب توجهی ایجاد نماید؛ لیکن برای کاربرد عمومی و در تمام شرایط مناسب نیست. درباره موزاییک باید گفت که برای هر کار دیواری، نتیجه بخش است. ولی حالت خاصی دارد که شاید برای هر سلیقه جذاب نباشد و خیلی راحت نتواند با محیط پیرامون سنخیت یابد. درباره نقاشیهایی که در محیط باز و مواجه با شرایط متفاوت و سخت اقلیمی انجام می شود باید گفت که بهترین امتیاز به موزاییک تعلق می گیرد؛ چرا که در بین تمام تکنیکها هیچ روشی به این اندازه از مواد مقاوم و بادوام منتج نشده است.

علاوه بر تأثیر مخرب اشعه فرابنفش در نور مستقیم آفتاب، حمله عناصر شیمیایی همچون سولفور و اسیدها در مناطق آلوده، مجاورت ذرات معلق در هوا، باران، برف و همه عوامل می تواند به یک اثر دیواری صدمه بزند که برخی از آنها تشخیص داده نمی شود. به همین دلیل است که حفاظت و مرمت آثار دیواری از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است و همواره در یک کتاب مربوط به نقاشی دیواری، بخشی از آن را به نگهداری از این آثار اختصاص می دهند. بر این اساس می توان به پاره ای سؤالات اشاره نمود؛ از جمله آنکه تفاوت نقاشی دیواری و نقاشی سه پایه چیست؟ ضرورتهایی که نقاشی دیواری را به نوع خاصی از نقاشی بدل

می‌نماید شامل چه مواردی می‌شود؟ ویژگیهای فنی تکنیکهای نقاشی دیواری چیست؟ چگونه می‌توان دوام آثار دیواری را افزایش داد؟ انتخاب مواد مورد استفاده در نقاشی نیازمند در نظر گرفتن چه نکته‌هایی می‌باشد؟ و بسیاری پرسشهای دیگر که تلاش نموده‌ایم بدانها پاسخی، هرچند کوتاه، دهیم. آنچه گذشت خلاصه‌ای بود از محتوای کتاب که برای یافتن پاسخ و جزئیات بیشتر باید به بخش مربوط مراجعه نمود.

در اینجا لازم است از سرکارخانم دکتر هنری مهر به خاطر مطالعه این متن و یادآوریهای ارزشمند، جناب آقای اثباتی برای سخاوت در اختیار گزاردن مطالب پرسود و مساعدتهای جناب آقای براهیمی و همکاران ایشان در مدیریت پژوهشی سازمان مطالعه و تدوین کتابهای علوم انسانی سپاسگزاری نمایم. ادعای آن نیست که حاصل این تلاش، بی‌عیب و نقص است؛ لیکن برای برطرف نمودن کاستیها باید گام برداشت و در محیطی عاری از منابع دیگر، ناچار به این کوتاه سخن باید با تمامی ایرادهای احتمالی مطلب، بسنده کرد. امید آن دارم که با یادآوری و تذکر اهل فن بر عیبهای پنهان و آشکار این کتاب آگاه شده، در رفع آنها بکوشم.

منصور حسامی

پاییز ۱۳۸۷